

منشور پروژه طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سیدرضا فاطمی امین^۱

چکیده

شرط لازم برای یکپارچه سازی و هم راستا سازی تلاش ها برای دستیابی به آرمان های انقلاب اسلامی، طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است که مبنای مدیریت کشور باشد. طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یک پروژه پژوهشی بسیار مهم و گسترده بوده و جامعیت، صحت و دقت منشور این پروژه بسیار اهمیت دارد. منظور از منشور پروژه، طرح تحقیق «طراحی الگو» با تاکید بُعد «پروژه بودن» آن است. هر چند تا کنون چندین نقشه راه برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه شده است اما این منشور دارای نکات جدیدی است که برای موفقیت الگو حیاتی است. مهمترین تأکیده‌های این منشور عبارتند از: تولید علم مبتنی بر عمل، آغاز طراحی الگو از برنامه های راهبردی، جلب مشارکت گسترده ذیحقان، طراحی و اجرای همزمان، الگوهای ذهنی و نظریه علیت. در این منشور، طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در دو مرحله پیش بینی شده است و بستر ارتباطی، چارچوب ها و سامانه مفاهیم زیر ساخت های ضروری برای اجرای این پروژه در نظر گرفته شده اند. این زیر ساخت ها امکان جامعیت، یکپارچگی، آشکاری ارزش ها، صحت، دقت و بهنگام بودن دستاوردهای پروژه را فراهم می سازند. در طراحی الگو نباید به کلی گویی بسنده کرده و جزئیات تا حدی که قابلیت اجرا پیدا کند باید بیان شوند؛ بنابراین همان طور که مباحث فلسفی در طراحی این الگو اهمیت دارند؛ اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات، زیر ساخت های نرم و ساختارهای سازمانی دستگاه های حاکمیتی اهمیت دارند.

واژه های کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقشه راه، تولید علم مبتنی بر عمل، منشور پروژه پژوهشی

۱- مقدمه

تمدن غرب، با وسعت و انعطاف پذیری بالا، تقریباً در همه عرصه ها وارد شده و در همه جوامع بشری انتشار یافته است. تمدن غرب بدون توجه به اصولی مانند توحید، معاد و ... پایه ریزی شده و رویکرد آن به انسان و هستی بسیار متفاوت از رویکرد اسلام است. متأسفانه ایران اسلامی تا کنون نتوانسته الگویی جامع برای مدیریت جامعه طراحی و اجرا نماید و مبتنی بر اندیشه ها پراکنده و نا هماهنگ بوده است. عدم وجود یک پارادایم جامع و عملیاتی برای مدیریت کشور و اتکاء به ذهنیت های متکثر مسئولان باعث حرکت های غیر منسجم و گاهی متضاد شده است و جمهوری اسلامی ایران را با چالش های زیادی روبرو کرده است. به بیان مقام معظم رهبری، «در طول این سی سال، به حرکت های هفت و هشتی، بی هدف و زیگزاگ مبتلا بوده ایم و به این در و آن در زده ایم. گاهی یک حرکتی انجام داده ایم، بعد ضد آن حرکت و متناقض با آن را - هم در زمینه فرهنگ، هم در زمینه اقتصاد و در زمینه های گوناگون - انجام داده ایم. این به خاطر این است که

یک نقشه جامع وجود نداشته است.» (بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، دهم آذر ۱۳۸۹)

شرط لازم برای یکپارچه سازی و هم راستا سازی تلاش ها برای دستیابی به آرمان های انقلاب اسلامی، طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است که مبنای مدیریت کشور باشد. «انقلاب اسلامی ایران» نقطه عطفی در تاریخ جهان است که اهمیت آن با گذشت زمان و از افق های بالاتر نمایان تر می شود. پیشرفت شتابان ایران اسلامی در ایجاد زیر ساخت ها، کسب دانش و رویکرد مکتبی و استقلال کشور، نوید دهنده برپایی تمدن اسلامی به مردم جهان و ایجاد جامعه ای در تراز جامعه منتظر موعود (عج) است، اما تا ظهور معجزه ایران اسلامی، راه زیادی نمانده و پیمودن راه مانده، بیش از آن که نیازمند زمان و هزینه زیادی باشد؛ مستلزم دانش، هوشمندی و دقت زیادی است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تجمیع کننده دانش و فناوری مورد نیاز برای رسیدن به تمدن اسلامی است.

طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یک پروژه پژوهشی بسیار مهم و گسترده بوده و جامعیت، صحت و دقت منشور این پروژه بسیار اهمیت دارد. منظور از منشور پروژه، طرح تحقیق «طراحی الگو» با تاکید بعد «پروژه بودن» آن است. هر چند تا کنون چندین نقشه راه برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه شده است اما این منشور دارای نکات جدیدی است که برای موفقیت الگو حیاتی است.

طراحی برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت با پارادایمی که در این منشور ارائه شده، انجام شده که می تواند پایلوتی برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محسوب شود. برنامه ریزی برای مدیریت بخش صنعت، معدن و تجارت به عنوان مهم ترین و گسترده ترین بخش اقتصاد کشور، یکی از اجزاء مهم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که نه تنها معیشت جامعه را می تواند سامان دهد، بلکه می تواند پیشران تولید علم (علم همراه با عمل) باشد، اقتدار و کارآمدی برای دستیابی به امنیت، عدالت، رفاه، آزادی، حکومت، استقلال و عزت ملی را ایجاد کند و امکان اندیشه ورزی و حرکت به سوی معنویت (که روح پیشرفت واقعی است) را فراهم سازد. برای طراحی برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت، تلاش شده تا الگویی مستقل برای برنامه ریزی در سطح ملی ایجاد شود تا از بازنویسی ایده های متفرق و یا متضاد با ارزش های اسلامی و ایرانی پیشگیری شده باشد؛ علاوه بر این، تمرینی برای طراحی «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» باشد.

۲- محدوده

۲-۱- مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

الگو شیئی ای است که برای مشخص سازی شی دیگری مورد استفاده قرار می گیرد. شی مشخص شده «شیء اصلی» و شیء مشخص کننده را الگو^۲ می نامیم. الگوها دو نوع هستند: ذهنی، غیر ذهنی و دو نقش می توانند داشته باشند: توصیفی و هنجاری. اگر الگو نقش توصیفی داشته باشد، حالت اشیایی که هستند (در گذشته، حال، آینده) را مشخص کرده و اگر نقش هنجاری داشته باشد، حالتی که اشیایی باید داشته باشند را مشخص می کند. واژه الگو در عبارت «الگوی اسلامی، ایرانی پیشرفت» بیشتر بر جنبه هنجاری مفهوم الگو تاکید دارد. به عبارت دیگر به مفهوم اسوه نزدیک است.

² Model

مفهوم «پیشرفت» می تواند به معنای نزدیک شدن به عدالت در نظر گرفته شده و اسلامی و ایرانی بودن الگو، مصادیق عدالت برای ایران اسلامی را مشخص کند. با این تعبیر، میزان نزدیک شدن به عدالت، معیار پیشرفت محسوب می شود. مفهوم پیشرفت در الگوی اسلامی ایرانی جایگزین مفهوم توسعه است. هرچند واژه «توسعه» می تواند معنایی عام داشته باشد اما به دلیل اینکه نامی برای حرکت تمدن غرب بوده و با ادبیات بسیار گسترده ای پیوند خورده است، نباید برای تحقق تمدن اسلامی به کار رود. هرچند مفهوم لغوی توسعه، شامل هدف و جهت نمی شود، اما به دلیل اینکه برای توصیف تمدن غرب است به کار می رود، ارزشهای تمدن غرب به طور آشکار و نهفته وارد آن شده اند. با استفاده از واژه توسعه، تفکیک دقیق رویکردها و تبیین مواضع و تفاوتها امکان پذیر نبوده و مغالطه ها و تناقض های زیادی پدید می آید. مقام معظم رهبری در مورد واژه های پیشرفت و توسعه می فرمایند: «اولاً کلمه ی «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه ی «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه ی توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی خواهیم یک اصطلاح جافتاده ی متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می فهمند، بیاوریم داخل مجموعه ی کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می کنیم؛ این مفهوم عبارت است از «پیشرفت». معادل معنای فارسی پیشرفت را می دانیم؛ می دانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهیم کرد که منظور ما از این پیشرفتی که در فارسی معنایش روشن است، چیست؛ پیشرفت در چه ساحت‌هایی است، به چه سمتی است.» (بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، دهم آذر ۱۳۸۸)

اسلامی بودن الگو به معنای استخراج مبانی ارزشی الگو از معارف اسلامی است. ایرانی بودن الگو، دو تعبیر دارد: طراحی شده توسط ایرانیان و کاربرد «الگوی اسلامی پیشرفت» برای ایران به عنوان یک مصداق از کشور اسلامی. در مصداق ایران، به ویژگی‌های ایران توجه شده و بر اساس منابع و شرایط دوران معاصر، یک چارچوب دقیق تر برای مدیریت ایران اسلامی طراحی می شود.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تبیین باید‌های سامانه های انسانی است.

۲-۲- سطوح الگو

در تقسیم بندی سلسله مراتبی معلومات را می توان به چهار سطح تقسیم کرد که عبارتند از: هستی شناسی، نظریه ها، طرح های بالادستی^۳ و طرح های پایین دستی^۴. گستره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تمامی این سطوح را می پوشاند؛ البته همانطور که در ادامه بیان خواهد شد شروع طراحی الگو باید از سطح طرح های بالادستی انجام شود.

هستی شناسی، به محیط دنیا می پردازد و دربردارنده مبانی ارزشی برای سایر سطوح است. نظریه ها، در تعریف مفاهیم و طراحی چارچوب ها به کار گرفته می شوند. طرح های بالادستی شامل برنامه های راهبردی، منشور پروژه ها و قوانین و مقررات هستند و طرح های پایین دستی، شامل سازماندهی و برنامه های عملیاتی بوده که نیز جزئیات اجرایی را مشخص می نماید.

³ Master Plan

⁴ Subordinate Plan

۲-۳- بخش های الگو

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در حوزه سامانه های انسانی قرار می گیرد. سامانه های انسانی را می توان در سه گروه فرد و خانواده، سازمان و جامعه طبقه بندی نمود. مدیریت جامعه و سازمان باید در راستای فراهم کردن شرایط مطلوب زندگی انسان ها باشد؛ بنابراین فراهم بودن امکان زندگی مطلوب، خط مشی هایی برای مدیریت جامعه (اقتصاد، حاکمیت، سلامت و ...) و سازمان ها تعیین می کنند. از طرف دیگر الزامات مدیریت بهینه جامعه و سازمان، بایدهایی برای زندگی افراد پدید می آورد؛ به عبارت دیگر با رعایت این «بایدها» در زندگی فردی، جامعه و سازمانها با بهره وری بیشتری مدیریت می شوند. چنین تبادل دو طرفه ای، بین جامعه و سازمان نیز برقرار است. در شکل زیر انواع سامانه های انسانی و ارتباط آنها با یکدیگر نمایش داده شده است:



سبک زندگی همان چارچوب زندگی است که می تواند مرجع برنامه ریزی های فردی قرار گرفته و از طرف دیگر خط مشی های مدیریت سازمان ها و جوامع را مشخص نماید. سازمان ها به عنوان بخشی از سامانه های انسانی نقش های بسیار مهمی دارند از یک طرف در بر دارنده بخشی از کارکنان خود بوده و از طرف دیگر محصولاتی را برای مشتریان خود فراهم می کند. همچنین آثار زیادی بر سایر ذینفعان (از جمله سهامداران) و ذیحقان می گذارند. در جوامع کنونی سازمان های متعددی ایجاد شده اند و نقش آنها گستردگی و اهمیت روز افزونی یافته است و بدون شناخت آنها امکان شناخت جوامع وجود ندارد. جامعه را می توان به قسمتهایی مانند فرهنگ، امنیت، اقتصاد، سلامت، علم، فضای کالبدی (شهر و روستا)، حاکمیت و آمایش تفکیک نمود. در شکل زیر، بخش های جامعه و فضای بین المللی نمایش داده شده است.



الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید به سبک زندگی، سازمانها، جامعه (اقتصاد، فرهنگ، سلامت و ...) و محیط بین المللی پردازد و در ابعاد مختلف پردازد.

۳- خط مشی ها

«ارتباط علم با عمل» مهمترین خط مشی در طراحی الگوی اسلامی پیشرفت است. اگر عالم بی عمل شبیه زنبور بی عسل است؛ تولید علم منفصل از عمل، خطای بسیار بزرگی است و باید با شدت بسیار زیادی نکوهش شود. حداقل خطای تولید علم بدون ارتباط با عمل، کلی گویی منحرف کننده و صوری گرایی بی حاصل است که نه تنها منابع را اتلاف می کند بلکه اعتبار علم را نیز کاهش می دهد. اگر دانش های صوری و یا غلط مبنای عمل قرار گیرند آسیب های بسیار زیادی در پی خواهند داشت. برای پیشگیری از تولید محتوایی که فقط زینت بخش قفسه ها باشند خط مشی های زیر را باید رعایت نمود.

۱- آغاز طراحی از برنامه های راهبردی

۲- جلب مشارکت گسترده ذیحقان

۳- طراحی و اجرای همزمان

در طراحی الگو باید دستگاههای اجرایی و صاحب نظرانی که تجارب عملی دارند مشارکت گسترده داشته باشند. مشارکت و اجماع صاحب نظران، از دو جنبه اهمیت دارد: یکی اینکه از حداکثر دانش در دسترس استفاده می شود و دیگری اینکه فهم و پذیرش الگو در مراحل اجرای آن را تسهیل می کند. در حین طراحی، اجرای آن دسته از اهداف عملیاتی که طراحی آنها کامل شده باید آغاز شود. طراحی و اجرای هم زمان علاوه بر ایجاد اطمینان از اجرای راهبردها و از دست ندادن فرصت، به غنای برنامه نیز می انجامد. در بسیاری از موارد، تا در عمل اقدامی انجام نشود، امکان افزایش کیفیت برنامه وجود ندارد. باید توجه

داشت بی توجهی به اجراء، باعث صوری شدن برنامه خواهد شد. با بازخوردهایی که حین اجرا گرفته می‌شود، امکان اصلاح الگو فراهم می‌شود.

۴- اهداف

در پروژه طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید به پرسش‌هایی پاسخ داده شود و علاوه بر آن الگوهای ذهنی مخاطبان ارتقاء یابد. نباید کتاب‌ها و گزارش‌هایی که به عنوان مستندات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منتشر می‌شوند هدف نهایی این پروژه تلقی کنیم. کتاب‌ها و مقالات حافظه‌هایی خارج از ذهن هستند که انسان برای کسب و یادآوری و یا انتقال علم به فرد دیگری از آنها استفاده می‌کند. آن چیزهایی که در ذهن افراد نقش بسته مبنای عمل هستند نه آن چیزهایی که در مکتوبات درج شده است. بنابراین برای بهبود یا تغییر رفتارهای آگاهانه، لازم است الگوهای ذهنی افراد بهبود یافته و تغییر کند. بنابراین لازم است مخاطبان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شناسایی شده و آموزش‌ها و اطلاع‌رسانی‌های لازم انجام گیرد.

۴-۱- پرسش‌های اساسی

برای طراحی الگو، ابتدا باید پرسش‌های اساسی را شناسایی نمود تا طراحی الگو در راستای پاسخ به آنها باشد و از انحراف‌های ناخواسته در مسیر پژوهش جلوگیری شود. پرسش‌های اصلی که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید به آنها پاسخ دهد، عبارتند از:

۱- متغیرهای هدف (متغیرهای مهمی که مقادیر مطلوب آنها بیان‌کننده سطح پیشرفت هستند) چه هستند؟

۲- مقادیر مطلوب متغیرهای هدف چیست؟

۳- راهبردهای دستیابی به اهداف پیشرفت چیست؟ چگونه می‌خواهیم به اهداف اصلی برسیم؟

۴- چگونه حاکمیت، بنگاه‌ها و افراد را به سمت تحقق اهداف سوق دهیم؟

این پرسش‌ها در مرحله اول برای طراحی برنامه‌های راهبردی باید پاسخ داده شود و برای پاسخ دقیق به آنها پرسش‌های در سطوح هستی‌شناسی، نظریه‌ها و برنامه‌های عملیاتی مطرح می‌شود. هر کدام از این پرسش‌ها در بخش‌های مختلف (سبک زندگی، سازمانها، اقتصاد، فرهنگ و ...) در بردارنده سوال‌های فرعی خواهند بود.

مثال: برخی سوال‌های فرعی مرتبط با راهبردها در بخش اقتصاد عبارتند از:

۱- بهره‌وری کدام زنجیره‌ها را باید ارتقاء دهیم؟

۲- اندازه مناسب برای بنگاه‌ها در فعالیت‌های مختلف چیست؟

۳- روابط بین بنگاهی را در چه مواردی باید گسترش داد؟

۴- چه ادغام‌ها و یا برون‌سپاری‌هایی مطلوب است؟

۵- در چه مواردی باید محصولات جدیدی جایگزین محصولات متعارف شوند؟

۶- چگونه منابع انسانی با توانمندی مناسب باید تامین شوند؟

۷- چه ظرفیت‌های تولید جدیدی باید ایجاد شود؟

۸- توزیع نقدینگی در اقتصاد چگونه باید باشد؟

۹- نحوه استفاده از منابع طبیعی و معادن چگونه باید باشد؟

۱۰- چه محصولات و فناوری‌هایی می‌توانند اهرم قدرت ما در تعاملات بین‌المللی باشند؟

با پاسخ به این پرسش‌ها هر یک از عوامل (مسئولان، تولیدکنندگان، صاحب نظران و ...) به آسانی می‌توانند فعالیت‌های خود را برنامه‌ریزی نمایند؛ بدین ترتیب رفتارها هم‌راستا شده و اگر پرسش‌ها به خوبی پاسخ داده شده باشند، منافع فردی با منافع جامعه هم‌سو می‌شود. شناسائی دقیق و جامع پرسش‌ها و تلاش برای پاسخ دادن به آنها باعث می‌شود نتایج برنامه‌ریزی به نیازهای واقعی نزدیک شده و از انحراف تلاش‌ها جلوگیری شود.

۲-۴- مخاطبان

تصمیمات و رفتارهای افراد بر مبنای الگوی ذهنی آنها شکل می‌گیرد. بنابراین اگر بخواهیم یکپارچگی در تصمیم‌گیری و عملکرد عوامل، ایجاد نماییم ابتدا باید الگوی ذهنی و به عبارت دیگر تصورات و جهت‌گیری‌های مشترکی در آنها ایجاد شود. معمولاً دیده می‌شود به تعداد مدیران، برنامه وجود دارد و با تغییر مدیریت برنامه‌ها به کلی تغییر می‌کنند. البته ممکن است این جملات تاحدی اغراق آمیز باشد، اما به مسائلی که در مورد برنامه‌ریزی و اجرا وجود دارد به خوبی اشاره می‌کند.

در طراحی این الگو از یک طرف باید از مشارکت این مخاطبان استفاده شده و از طرف دیگر، الگوی ذهنی آنان (به عنوان هدف اصلی الگو) از طریق مشارکت در طراحی، آموزش و یا اطلاع‌رسانی ارتقاء یابد.

مخاطبان اصلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عبارتند از:

۱- مسئولان حکومتی: با استفاده از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تصمیمات مسئولان حکومتی (مدیران و کارشناسان دولت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مدیران و کارکنان قوه قضائیه و ...) هماهنگ و هم‌راستا می‌شود و علاوه بر کاهش زمان، موضع انفعال در برابر خواسته‌ها و پدیده‌ها به موضعی فعال تبدیل می‌شود.

۲- مدیران و کارشناسان بنگاهها: با طراحی این الگو، اهداف و روش‌های اجرایی برای بنگاه‌ها شفاف شده و علاوه بر اینکه عدم قطعیت‌ها را برای آنها کاهش می‌دهد، راستای حرکت حاکمیت را برای آنها مشخص می‌کند. با استفاده از این الگو، بنگاهها (اعم از بنگاههای اقتصادی، آموزشی و ...) با اطمینان و صحت بیشتری تصمیم‌گیری خواهند کرد.

۳- دانش‌گران: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محتوای آموزشی و اولویت‌های پژوهشی به ویژه در حوزه علوم انسانی را برای دانشجویان و پژوهشگران مشخص می‌کند.

۴- مردم: در صورت تدوین این الگو مطالبات بحق مردم و همچنین الزامات رفتاری برای آنها مشخص می‌شود.

۳-۴- اقلام قابل تحویل

اقلام قابل تحویل «پروژه طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» عبارتند از:

۱- هستی‌شناسی

۲- نظریه‌های جدید بویژه در حوزه علوم انسانی

۳- برنامه های راهبردی بخش های مختلف

۴- منشور پروژه های زیر ساختی

۵- قوانین و مقررات

۶- سازماندهی نهادهای حکومتی

۷- منابع انسانی آموزش دیده برای اجرای الگو

۸- محتوای آموزشی و اطلاع رسانی

۹- زیر ساخت های به هنگام سازی الگو

۱۰- مستندات طراحی الگو

هستی شناسی و نظریه های جدید که در این الگو متناسب با واقعیت ها و همراستا با مبانی اسلامی طراحی می شوند، همان علوم انسانی اسلامی هستند.

مهم ترین خروجی پروژه، برنامه های راهبردی هستند. در طراحی یک برنامه راهبردی باید تا سطح مشخصی از جزئیات پیش رفت. این میزان از جزئیات و نیز ارتباط میان برنامه راهبردی و عملیاتی تاثیر زیادی بر اجرایی شدن برنامه دارد. برنامه راهبردی باید تا سطح منشور پروژه های زیرساختی پیش رود. منشور پروژه مشخص کننده مراحل کلی اجرای یک هدف عملیاتی به همراه زمان بندی و منابع آن است. از طرفی برنامه عملیاتی نیز با تدوین منشور پروژه آغاز می شود. بنابراین با تدوین منشور پروژه ها در برنامه راهبردی، میان سطوح راهبردی و عملیاتی هم پوشانی ایجاد می شود که متضمن اجرایی شدن راهبردها است.

برای اجرایی شدن هر برنامه راهبردی، باید سازماندهی عوامل، متناسب با راهبردها باشد. عوامل اجرای برنامه های راهبردی، مردم، بنگاه های و حاکمیت هستند. بنگاه ها به عنوان مهم ترین عوامل اجرای راهبردها، باید متناسب با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (به عنوان یک سند بالادستی) برنامه های راهبردی خود را طراحی نموده و سازمان خود را اصلاح و تکمیل نمایند. اصلاح سازماندهی حاکمیت، مهم تر از بنگاه ها و خانوارها است. برای اجرایی شدن یک برنامه لازم است علاوه بر تعیین ماموریت ها و اختیارات عوامل، مفاد برنامه با ادبیات حقوقی نیز تنظیم شود. تصویب محتوای برنامه ها که با ادبیات حقوقی تنظیم شده است، رسمیت بیشتری برای عوامل اجرایی خواهد داشت. تمامی قوانین و مقررات کشور باید بر اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بازنگری شوند و برنامه پنج ساله ششم بر اساس دستاوردهای این الگو تدوین شود.

با توجه به اینکه برنامه ریزی یک فرآیند مستمر است زیرساخت های طراحی الگو باید به گونه ای آماده شود تا امکان به هنگام کردن الگو و با بازخورد گرفتن از تجارب اجرایی فراهم باشد. در این پروژه، هدف اصلی ایجاد الگوی ذهنی (تصور و جهت گیری) مشترک بین همه مسئولان و ذیحققان است. مستندات به عنوان یک محصول جانبی در طراحی الگو تلقی می شوند و برای یادآوری و انتشار به کار می روند.

۵- فعالیت ها

۵-۱- نقشه راه

نقطه شروع در طراحی الگو، طراحی برنامه های راهبردی برای بخش های مختلف می باشد، سپس باید از یک طرف به سمت طراحی دقیق چارچوب ها، نظریه ها و هستی شناسی رفت و از طرف دیگر به سمت تدوین قوانین و مقررات، مهندسی مجدد ساختارهای سازمانی و تعریف و اجرای پروژه های عملیاتی حرکت

کرد. البته پیش از طراحی برنامه راهبردی نسخه اولیه چارچوب ها باید آماده شوند. معمولاً مشاهده می شود که برای مدیریت امور جامعه مطالعات و پژوهش هایی در سطوح فلسفی و نظری و یا مصداقی بدون توجه به امور جاری انجام می شود؛ این تلاش های علمی حاشیه ای بوده و هیچ گاه وارد صحنه عمل نمی شوند. به عنوان مثال سالهاست که در حوزه اقتصاد اسلامی فعالیت های مطالعاتی و پژوهشی انجام می شود اما جریان مدیریت اقتصادی کشور راه خود را می رود. هر چند مبانی فلسفی مهم هستند اما باید از کتابخانه بیرون آمد و دندان های اسب را شمرد!

طراحی و پیاده سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، هر چند باید سریع انجام شود اما یکباره قابل انجام نیست و باید در دو مرحله انجام شود:

در مرحله اول، باید در راستای ارزش های شناخته شده اقدام به طراحی و اجرای برنامه های راهبردی نمود، اما همواره نسبت به ورود ارزش های نادرست به طور آشکار و نهفته حساس بود. ایجاد زیر ساخت ها باید زودتر آغاز شود اما تکمیل هر کدام از این فعالیت ها مستقل از هم نبوده و باید به طور همزمان اجرا شوند تا الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به طور متوازن طراحی شود. این مرحله دوران انتقال است و هنوز بسیاری از مفاهیم و روابط علت و معلولی متعارف در برنامه بکار گرفته می شوند؛ اما تلاش می شود تا ارزش های اسلامی حتی در این دوران مورد توجه جدی باشند.

در مرحله دوم، با تجربیات و عینیت هایی که در مرحله اول بدست آمده، الگو به طور کامل بر اساس هستی شناسی اسلامی، شکل می گیرد.

در مرحله اول باید تلاش شود که اسناد موجود که تا حدودی متأثر از تمدن غرب هستند باز نویسی نشوند؛ ارزش های اسلامی و ایرانی مبنا قرار گیرند. در موضوعاتی، که به نظر می رسد تمایز ارزشی بیشتری بین تمدن غرب و معارف اسلامی باشند، حساسیت بیشتری باید اعمال شود.

هر محتوایی در دوره عمر خود مراحل را در جهت تکامل طی می کند. دوره عمر را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

طراحی ویرایش اول و بازنگری های اساسی: در مواقعی ممکن است در اثر تغییرات محیطی شدید و یا ایجاد دیدگاه های جدید و متحول کننده در برنامه ریزان، نیاز به بازنگری اساسی برنامه ایجاد شود.

بهبود مستمر: به طور دائمی با کسب اطلاعات جدید، در واکنش به تغییرات محیطی، با انجام پروژه های مطالعاتی و ... دانش مستمراً بهبود می یابد.

در نمودار زیر روند بهبود مستمر و بازنگری های اساسی نمایش داده شده است. الگو اسلامی ایرانی پیشرفت پس از تدوین، هر سال باید ویرایش شده و پس از چند سال به طور کلی بازنگری شود.

۵-۲- فعالیت های اصلی

علاوه بر فعالیت هایی که برای ارائه اقلام قابل تحویل باید انجام شوند، ایجاد بستر ارتباطی و طراحی سامانه مفاهیم و چارچوب ها نیز باید صورت پذیرد. نسخه اولیه این زیر ساخت ها قبل از طراحی برنامه های راهبردی باید فراهم شده و در طول پروژه به تدریج کامل شوند.

برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از دانش ها و دانشمندان زیادی باید استفاده شود. برای انجام کار گروهی افراد متعدد با زمینه های دانشی متفاوت لازم است شبکه علمی یکپارچه و غیر متمرکزی

ایجاد شود. غیر متمرکز بودن طراحی به این معناست که افکار مختلف به شکل توزیع شده بتوانند در طراحی برنامه مشارکت کنند که می‌توان آن را تفکر توزیع شده نامید. البته برای اتخاذ چنین رویکردی باید زیرساخت مناسبی شامل چارچوب های طراحی برنامه شکل گیرد تا ضمن استفاده از تفکر توزیع شده، یکپارچگی برنامه‌ها نیز حفظ شود. ایجاد این شبکه علمی نیاز به یک بستری ارتباطی شامل سامانه مدیریت دانش، همایش‌ها، جلسات و ... دارد. یک نرم افزار تحت وب با قابلیت های بالا برای ایجاد این بستر ارتباطی ضرورت دارد.

مفاهیم دقیق، یکپارچگی بین معلومات را فراهم می‌کنند. با رویکرد ساختاری، علم مجموعه ای از مفاهیم و روابط بین آنها (قضایا) است. بنابراین کیفیت مفاهیم اثر زیادی در کیفیت علم دارد. اگر مفاهیم مناسبی برای درک و تبادل پیام بین افراد وجود نداشته باشد، سرگردانی‌ها و سردگمی‌های زیادی پیش می‌آید. در مباحثاتی که طرفین به یکسان نبودن مفاهیم بین خود، توجه ندارند؛ این آشفتگی بیشتر هم می‌شود. مثال: حکایت مولوی درباره ی اشتراک مفهومی بین انگور، عنب، ازم و استافیل مصداقی از آشفتگی مفهومی است. البته در این حکایت مولوی به تأثیر تفاوت های زبانی در ایجاد آشفتگی‌ها اشاره می‌کند. اما آشفتگی‌های مفهومی بین در یک زبان، پنهان تر بوده و خطاهای بیشتری در پی دارند.

در علمی که جنبه عملی بیشتری داشته باشند، معمولاً مفاهیم دقیق تعریف شده اند. اما در علوم انسانی تشتت مفاهیم بسیار زیاد است. برخی این تشتت را به ماهیت علوم نسبت می‌دهد و استدلال می‌کنند که این علوم به چیزهای غیر ملموس و انتزاعی می‌پردازد، اما این دلیل، یک اشتباه رایج است. مگر مفهوم «آنتروپی» در فیزیک یا «حالت» در نظریه کنترل انتزاعی نیستند؟ مفاهیم دقیق در بستر نظریه های دقیق ایجاد می‌شوند. برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید سامانه ای از مفاهیم که با یکدیگر سازگار بوده و برای توصیف جهان کارائی داشته باشند طراحی شود. در بسیاری از کتابها مشاهده می‌شود که یک واژه به معانی مختلف به کار رفته اند! چه برسد به اینکه مفاهیم کلیدی در کتاب‌ها و مستندات مختلف یکی باشند؛ بدون طراحی و استفاده از یک سامانه مفهومی استاندارد و یکپارچه، محتواهایی که در بخش های مختلف طراحی می‌شوند حداکثر در حد صفحه آرایی با یکدیگر شباهت خواهند داشت.

چارچوب‌ها شامل معلومات عمومی و روشهای تولید و تدوین محتوا برای موضوعات مشخصی هستند. محتواهای علمی (که به صورت متعارف تدوین می‌شوند) را می‌توان به دو بخش تفکیک کرد. یک بخش معلوماتی هستند که فارغ از زمان و مکان بوده و روابط، اهمیت‌ها، آثار، استدلال‌های عام، ماهیت پدیده‌ها و ... را بازگو می‌کنند. بخش دوم معلوماتی هستند که به مصادیق پرداخته و پدیده را برای یک مکان و زمان خاص بیان می‌کنند. چارچوب‌ها در برگیرنده معلومات بخش اول بوده و با تفکیک آنها از برنامه، برنامه خلاصه تر می‌شود.

مثال: «انتشار فناوری» یکی از مباحث فناوری است. درباره انتشار فناوری هم می‌توان به تعاریف، اهمیت و اثرات آن پرداخت و هم اطلاعاتی در مورد ابعاد انتشار فناوری در صنعت ایران در یک بازه زمانی مشخص ارائه داده و راهبردهایی برای بهبود انتشار فناوری ارائه داد. نوع اول اطلاعات در چارچوب فناوری و نوع دوم در برنامه فناوری ذکر می‌شود.

آثار استفاده از چارچوب‌ها عبارتند از: بهبود درک، کیفیت، کارایی و انباشت علم. علاوه بر این کاربردها، با توجه به اینکه چارچوب بیان کننده مواردی که باید در برنامه بررسی شود، می‌باشد؛ می‌توان از چارچوب

به عنوان مبنایی برای نقد محتوای های تولید شده در موضوع مربوطه استفاده کرد. کسانی که با طراحی برنامه های گسترده و در طول زمان مواجه بوده اند، آثار چارچوب ها را به خوبی در می یابند.

با جداسازی چارچوب ها از اطلاعات مصداقی، حجم اطلاعات، کاهش یافته که با توجه به محدودیت های ادراکی و زمانی به سرعت درک مطلب کمک می کند. البته افرادی که نیاز به اطلاعات بیشتر داشته باشند می توانند علاوه بر برنامه، چارچوب را نیز مطالعه نمایند.

استفاده از چارچوب ها کیفیت محتوا (جامعیت، یکپارچگی، دقت، صحت، به هنگام بودن و آشکاری ارزشها) بسیار افزایش می دهد. با جامع و گسترده شدن موضوع تحت بررسی از یک طرف صرفه مقیاس در پژوهش حاصل می شود، اما از طرف دیگر ممکن است یکپارچگی از دست برود؛ زیرا برای غلبه بر محدودیت های ادراکی انسان، موضوع گسترده به چندین زیر موضوع تقسیم می شود و از اینجا چالش یکپارچگی نمایان می شود. با توجه به عام بوده چارچوب ها، تعداد آنها بسیار کمتر از مصادیق آنها است و یکپارچه سازی بین محتوای چارچوب ها و اطمینان از جامعیت آنها بسیار ساده تر است. همچنین با ایده های بدست آمده در یک موضوع را می توان به چارچوب منتقل کرده و سپس به همه مصادیق آن چارچوب تسری داد. تعدد موضوعات هم شامل تعدد در یک مقطعی زمانی و هم شامل تعدد در طول زمان است.

با تفکیک چارچوب از محتواهای عینی تر، به هنگام سازی معلومات ساده تر می شود. زیرا چارچوبها شامل معلوماتی هستند که در دوره های زمانی طولانی تر تغییر می کنند. این تفکیک شبیه تفکیک خطوط تند رو و کند رو در یک بزرگراه است. با استفاده از چارچوب ها، به جای تلاش زیاد برای طراحی برنامه های با کیفیت در موضوعات متعدد، بر طراحی دقیق چند چارچوب تمرکز می شود. هر چارچوب که در سطحی عام طراحی می شود مصادیق زیادی را می تواند در بر می گیرد. از یک چارچوب می توان برای تدوین برنامه موضوعات متعدد یا مصادیق متعدد یک موضوع در زمان های مختلف استفاده نمود.

با استفاده از چارچوبها، برنامه ها از ابتدا یکپارچه تدوین می شوند. به جای اینکه محتواهای متعددی تولید شده و سپس به دنبال یکپارچه نمودن آنها باشیم؛ معلومات از ابتدا به طور یکپارچه تولید می شوند. با استفاده از چارچوب ها دانشگرها بدون نیاز به آموزش های طولانی و تخصصی می توانند در تولید برنامه مشارکت نمایند. یک چارچوب یک بار (با کیفیت بالا) طراحی می شود و بارها مورد استفاده قرار می گیرد.

استفاده از چارچوب ها باعث انباشت دانش می شود. با توجه به اینکه معلومات متغییر و مصداقی در برنامه و معلومات با ثبات تر در چارچوب بیان می شود، و با تغییر شرایط، تنوع رویکردها و معلومات در برنامه های متعدد که تحت یک چارچوب هستند، چارچوبها به هنگام شده و به تدریج غنی تر می شوند؛ برنامه ها معمولاً بازنگری نشده و ایده ها و نکات مهم آنها در برنامه های بعدی ذکر نمی شوند. به عبارت دیگر، چارچوبها نقش حافظه بلند مدت را دارند.

مثال: چارچوب برنامه راهبردی زنجیره تامین، مواردی که در طراحی برنامه یک زنجیره باید بیان شوند را ذکر می کند. طراحان برنامه های راهبردی با استفاده از این چارچوب، صدها برنامه مانند برنامه راهبردی سیمان، پتروشیمی، نان و ... می توانند طراحی کنند. با تدوین چارچوب برنامه راهبردی زنجیره تامین توسط یک گروه خبره، طراحان برنامه های زنجیره تامین (مانند فولاد، خودرو، پتروشیمی، شیشه، سیمان، و ...) از روشها، و معلومات عمومی درج شده در چارچوب استفاده می کنند.

۵-۳- سازماندهی

اشخاص فعال در این پروژه عبارتند از: مرکز الگو اسلامی ایرانی پیشرفت، امور تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری)، دستگاه های اجرایی، نهادهای پژوهشی و پژوهشگران. نقش هر یک از این اشخاص در یک تقسیم کار ملی باید مشخص شده و در قالب یک سازمان مجازی مدیریت شود.

برای طراحی محتوا در هر موضوع نیز گروهی شامل دبیر، ناظر، داوران، حلقه فکری و مدیر برنامه (در مورد برنامه های راهبردی) باید سازماندهی شود. نقش هر یک از این اشخاص عبارتند از:

۱- دبیر: دبیر، نقش محوری در گردآوری محتوای موضوع را برعهده دارد. مهم ترین وظایف دبیر عبارتند از: تدوین محتوای بخش های برنامه، جمع آوری و تحلیل نظرات متخصصان و صاحب نظران، ارتباط با سازمان های مرتبط، جلب مشارکت ذیحققان

۲- ناظر: ناظر، وظیفه کنترل و پیگیری تدوین برنامه را به لحاظ محتوایی و اجرایی برعهده دارد. از نظر اجرایی زمان بندی، کنترل خروجی ها، فعالیت ها و...، از نظر محتوایی تطبیق با چارچوب ها، اعتبار گزاره ها در بخش های محدوده، ارزش ها، وضعیت، مسائل و اهداف، روش تحقیق، اطمینان از مشارکت کافی و در نظر گرفتن نظرات ذیحققان و مواردی از این دست بر عهده ناظر است.

۳- داوران: داوران در خصوص اعتبار گزاره های برنامه قضاوت می کنند. این افراد شامل ذیحققان، صاحب نظران و متخصصان و تصمیم گیرندگانی هستند که صاحب دانش و تجربه در موضوع برنامه بوده و یا اجرای برنامه بر آنها تاثیر بسزایی می گذارد. برای انجام داوری، پس از طراحی پیش برنامه، این پیش نویس برای داوران ارسال شده و پس از جمع بندی نظرات آنها توسط ناظر و دبیر، اصلاحات لازم در برنامه صورت می گیرد. در صورت لزوم مصاحبه و هم اندیشی هایی نیز برای این منظور برگزار می شود.

۴- حلقه فکری: مشاوران و صاحب نظرانی که به تولید محتوا و تجمیع آن توسط دبیر کمک می کنند.

۵- مدیر برنامه: مدیر برنامه کسی است که برنامه را پس از تصویب باید اجرا کند که لازم از در مراحل طراحی برنامه مشارکت نماید.

۶- چارچوب مفهومی

بررسی صورت گرفته نشان می دهد برای تدوین الگو در این سطح از گستردگی، تنوع و پیچیدگی؛ چارچوب مفهومی جامعی که تمام جوانب را پوشش دهد وجود ندارد و باید در قالب پژوهش های مستقلی، چارچوب های مورد نیاز برای طراحی برنامه های راهبردی طراحی شوند. البته الگوهای جزئی - موردی برای هر یک از اجزای اقتصاد فرهنگ، سبک زندگی و... وجود دارند. به عنوان مثال برای تحلیل زنجیره تامین می توان از مدل «پورتر» استفاده کرد، اما همچنان جای الگوی کلان که تمام این اجزا را به مثابه یک کل نگریسته و آنها را با هم یکپارچه سازد، خالی است.

چارچوب مفهومی طراحی الگو باید مبتنی بر ۴ نظریه باشد که عبارتند از: سامانه، الگوی علی، سامانه های چند عاملی و نظریه کنترل. این چارچوب، باید تبیین کننده سامانه ای از متغیرها باشد که برخی از آنها به عنوان متغیرهای هدف انتخاب شده و سایر متغیرها که بر متغیر هدف اثرگذار هستند متغیرهای راهبرد تلقی می شوند.

الگوی علی کامل ترین و دقیق ترین الگو برای توصیف پدیده ها است. در مواردی که الگوهای ساده تری در دسترس نباشند باید از الگوی علی استفاده نمود. الگوی علی باید با استفاده از نظریه مبنایی^۵ طراحی شود. در الگوی سامانه‌های چند عاملی، سامانه های انسانی مجموعه‌ای از عوامل در نظر گرفته می‌شود که هر کدام دارای اراده و اختیار در تصمیم‌گیری بوده، لیکن اطلاعات کل سیستم را در اختیار ندارند. این مدل هم به عنوان یک نگرش و هم به عنوان ابزار شبیه سازی آثار اجرای برنامه می تواند مورد استفاده قرار گیرد. برای ایجاد ارتباط این مدل با متغیرهای اقتصادی از مدل علت و معلولی بهره گیری شده است. در واقع رفتار هر یک از عوامل در مدل سامانه‌های چند عاملی، متغیری است که می تواند در یک بافت علت و معلولی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به عبارت بهتر برای بیان روابط متغیرهای هدف و راهبردی، یک الگوی علت و معلولی ایجاد شده است.

تمایز چارچوب مفهومی پیشنهادی با مقایسه تطبیقی بهتر مشخص می‌شود؛ یکی از روش‌های مشهور برنامه ریزی استفاده از ماتریس اس دلبلیو او تی^۶ است. الگوی اس دلبلیو او تی دو جنبه دارد:

- ۱- طراحی: شناسایی قوت ها، فرصت ها، ضعف ها و تهدیدها و همچنین راهبردهای مرتبط با آنها با روش‌هایی مانند طوفان مغزی انجام شده و با روش‌هایی مانند نظرسنجی تایید می‌شوند.
- ۲- تنظیم محتوا: قوت ها، فرصت ها، ضعف ها و تهدیدها و همچنین راهبردهای مرتبط با آنها به صورت یک ماتریس تدوین و ارائه می‌شوند که در این ماتریس ارتباط بین راهبردها و عوامل پیش برنده و بازدارنده تا حدی مشخص می‌شوند.

روش اس دلبلیو او تی به لحاظ طراحی یادآور «فیل مولانا» است که هر کسی بخشی از مسایل و منابع را با الگوی ذهنی خود (که معمولاً با الگوی ذهنی دیگران مشترک نیست) تشخیص داده و با واژه هایی بیان می کند و تلاش می‌شود توافقی مبهم بین افراد شکل گیرد. در حالی که در الگوی علی مفاهیم به دقت تعریف شده و ارتباط بین آنها مشخص می‌شود. بنابراین طراحی به روش اس دلبلیو او تی به هیچ وجه مناسب نبوده و روشی سر انگشتی است که دقت بسیار پایینی دارد البته می توان با الگوی علی متغیرها را شناسایی کرده و ارتباط بین آنها را بررسی نمود و نتایج را به صورت ماتریس اس دلبلیو او تی به عنوان یک روش تنظیم محتوی ارائه داد.

۷- روش پژوهش؛ روش تایید گزاره ها

برای بررسی صحت مقادیر و روابط از سه روش می توان استفاده کرد که عبارتند از:

- ۱- مفروضات (پیش فرض ها): برخی گزاره ها را به عنوان پیش فرض می پذیریم. مفروضات شامل بدیهیات، مصوبات، گزاره های تایید شده عمومی و خاص هستند. بدیهیات شامل مواردی می‌شوند که عموماً مورد پذیرش بوده و نیازی به بررسی آنها نیست. این پیش فرض ها عمدتاً گزاره هایی هستند که در جای دیگری اثبات شده و ما صحت آنها را پذیرفته ایم. برای مثال یک نظریه در مورد رابطه دو متغیر یا یک نظریه در اقتصاد کلان ممکن است به عنوان پیش فرض آورده شود. همچنین مقادیر برخی متغیرها ممکن است، به عنوان پیش فرض به برنامه داده شود.

⁵ Grounded Theory

⁶ swot

۲- محاسبه: مقادیر متغیرهایی که رابطه بین آنها بنا به تعریف و یا معادلات اثبات شده مشخص باشد از طریق محاسبه مشخص می‌شود. برای مثال در صورتی که نرخ رشد اقتصادی تا سال ۱۳۹۴ را به عنوان یک پیش فرض بپذیریم، مقدار ارزش افزوده در سال مذکور از طریق محاسبه مشخص می‌شود.

۳- آزمون فرضیه: عدم رد برخی از فرضیه‌ها را می‌توان با تحلیل‌های آماری تایید نمود. دو روش برای آزمون فرضیه‌ها وجود دارند که عبارتند از:

مستقیم: در این روش شناسایی یک شیء و بررسی تطابق گزاره با واقعیت خارج از ذهن (به عبارت دیگر بررسی صحت گزاره) با اندازه‌گیری و آزمایش انجام می‌شود. برای مثال، تحلیل‌های آماری در زمانی که یک داروی جدید بر روی تعدادی از افراد آزمایش می‌شود، یک روش مستقیم محسوب می‌شود.

غیر مستقیم: - رجوع به الگوهای ذهنی- در این روش چون دسترسی مستقیم به واقعیت نداریم یا نمی‌خواهیم به طور مستقیم مداخله کنیم، به الگوهای ذهنی افرادی که با موضوع ارتباط دارند اتکا می‌کنیم. شناسایی یک شیء و بررسی تطابق یک گزاره با الگوهای ذهنی جمعی از افراد (به جای واقعیت عینی) با کمک تحلیل‌های آماری انجام می‌شود. با این پیش فرض که این الگوی ذهنی این افراد در مجموع با واقعیت تطابق قابل اتکائی دارد.

مفروضات عمومی، اصولی هستند که در بررسی صحت گزاره‌ها استفاده می‌شوند. یکی از این اصول، جمع‌بندی حدس‌های کوچک است. با استفاده از این اصل، می‌توان یک متغیر را به اجزاء کوچکتر تقسیم کرده و مقدار هر جزء را برآورد نمود. اگر برآوردهای انجام شده در هر یک از اجزا با خطای کمی همراه باشد، می‌توان متغیر کلان را از مجموع متغیرهای خرد با محاسبه تعیین کرد. برای مثال: برای برآورد کل اشتغال صنعت در سال ۱۴۰۴ می‌توان اشتغال هر یک از زنجیره‌های تامین را برآورده کرده و سپس اشتغال کل را از مجموع آنها بدست آورد.

تا حد امکان باید از آزمون غیر مستقیم فرضیه‌ها، به عبارت دیگر اتکا به الگوهای ذهنی خودداری نمود. به دلیل تفاوت زیاد بین الگوهای ذهنی، استفاده غیرسازماندهی شده از نظرات می‌تواند باعث خطای زیادی گردد و باید تا حد امکان مورد استفاده قرار نگیرد. از جمله اینکه ناسازگاری موجود در ذهن‌ها خود را در نتایج نشان می‌دهد. مراجعه سازماندهی شده به نظرات با روش‌هایی مانند تحلیل سلسله مراتبی^۷ باعث می‌شود میزان ناسازگاری کاهش یافته و نظرات به نحو بهتری به خدمت گرفته شود.

۸- رهنمودها و الزامات

اسناد بالادستی که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید بر اساس آن تهیه شود عبارتند از:

۱- معارف و حیانی

۲- قانون اساسی

۳- سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران

۹- محدودیت‌ها، مخاطره‌ها

محدودیت‌هایی که طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با آنها روبرو است، عبارتند از:

- ۱- عدم طراحی یا عدم تفصیل کافی برنامه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...
- ۲- ارتباط با بین پروژه های پژوهشی و تصمیمات اجرایی
- ۳- نقص علوم انسانی

هرچند تاکنون سیاست ها، برنامه های پنج ساله و برنامه های بخشی زیادی تهیه شده است اما این مستندات نه تنها از هماهنگی با یکدیگر برخوردار نیستند بلکه انسجام درونی کافی ندارند. این مستندات به عنوان سیاهه واریسی (چک لیست) قابل استفاده بوده و طراحی مجدد آنها در قالب این پروژه ضروری است. مهمترین مخاطره این پروژه عدم ارتباط پروژه های پژوهشی با تصمیمات اجرایی است که از یک طرف به دلیل ضعف در مدیریت پژوهش و از طرف دیگر به دلیل ضعف در تعامل واحدهای اجرایی با نهادهای پژوهشی است. این مخاطره ممکن است شامل پروژه طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز بشود.

یکی از محدودیت های جدی در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقایص علوم انسانی موجود است. دنیای امروز بسیار گسترده، متنوع و پیچیده شده است و مسایل زیادی پیش روی انسانهاست. یکی از ریشه های اصلی مسایل فعلی، ضعف هایی است که گریبان گیر علم امروز بشر در مدیریت سامانه های انسانی است. مسایل اساسی علم متعارف در حوزه سامانه های انسانی عبارتند از: هم افزایی پایین بین معلومات، عدم توجه به ارزشها و یا پنهان بودن آنها

۱- کل علم بشر کمتر از جمع معلومات بشر است. (هم افزایی معلومات منفی است) به عبارت دیگر مجموع معلوماتی که هر فرد دارد بیشتر از کل معلومات اوست. علم بشر بسیار متورم شده است؛ حجم معلومات تکراری (که ناشی از بیان یک مفهوم و رابطه با عبارت های مختلف است) زیاد است و یک فرد نمی تواند برای استنتاج یک «باید» از همه معلومات خود استفاده کنند. (بنابراین این مساله بیش از اینکه به علت فراموشی باشد به علت عدم ارتباط بین معلومات است.) علت هم افزایی پایین علم، روش تحقیق تجزیه گرایانه در تولید علم و تمرکز بر صحت گزاره ها و غفلت از نقش مفاهیم است. در یک جمله: *أَلْعِلْمُ نَقْطَةٌ كَثْرَاهَا الْجَهْلَالُ* (علم یک نقطه است، جاهلان آن را گسترش داده اند!)

۲- علم فقط در برگیرنده «هست ها» نیست، بلکه «بایدها» نیز در حوزه علم قرار دارند. هست ها و باید ها از یکدیگر استنتاج می شوند. ارزش ها نه تنها در انتخاب اهداف اثر می گذارند بلکه در تعیین موضوعات پژوهشی موثرند و به طور غیر مستقیم نیز در نامگذاری ها و مثال ها بیان شده و اثر می گذارند. باید موشکافانه به ورود و جهت دهی های ارزش ها توجه داشت. با توجه به اینکه بخشهای زیادی از علم موجود در راستای ارزشهای تمدن غرب شکل گرفته است، در جوامعی که رویکرد دیگری داشته باشند، تناقض های ارزشی زیادی پدید می آید.

این مسایل علم و خطاهایی که در استفاده از علم پدید می آیند، نتایج زیر را در پی دارد:

- ۱- شناسائی بایدها با خطاهای زیادی همراه است.
- ۲- هم فکری (هماهنگی الگوهای ذهنی) بین افرادی که با هم کار می کنند بسیار کم است. به تعداد مدیران و کارشناسان برنامه وجود دارد! هر مدیر یا کارشناس در ذهن خود اطلاعاتی (درست یا غلط) و ارزش هائی (نهفته یا آشکار) دارد و بر مبنای آنها عمل می کند. به همین علت با آمدن هر مدیری، برنامه ها عوض می شوند.

۳- فعالیت های علمی هم راستا با نیازها نیست. پروژه های مطالعاتی (که نتایج آنها در قالب پایان نامه، کتاب، مقاله و .. ارائه می شوند) بدون جهت گیری برای حل مسایل واقعی و بدون ارتباط با یکدیگر انجام می شود.

۴- افراد با انبوهی از مستندات غیر منسجم مواجه هستند که توان یا فرصت استفاده از آنها را ندارند.

۵- اطلاعات مورد نیاز گردآوری نشده یا در دسترس و به هنگام نیست. از همه معلومات موجود و یا از پیش مطالعه شده برای تصمیم گیری استفاده نمی شود.

۶- ارتباط بین فعالیتها به خوبی طراحی نمی شود. (موازی کاری، کارهای بدون متولی، عدم هماهنگی در

اجرا و) ...

۷- تخصیص منابع (مالی، انسانی و...) درست انجام نمی شود.

۱۰- نتیجه گیری

طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یک پروژه پژوهشی بسیار مهم و گسترده است که دستاورد آن مبنای مدیریت کشور خواهد بود. با توجه به اهمیت و حجم بالای پروژه، لازم است نقشه راه به دقت طراحی شود.

طراحی و پیاده سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، هر چند باید سریع انجام شود اما یکباره قابل انجام نیست و باید در دو مرحله انجام شود:

در مرحله اول، باید در راستای ارزشهای شناخته شده اقدام به طراحی و اجرای برنامه های راهبردی نمود، اما همواره نسبت به ورود ارزشهای نادرست به طور آشکار و نهفته حساس بود. ایجاد زیر ساخت ها باید زودتر آغاز شود اما تکمیل هر کدام از این فعالیتها مستقل از هم نبوده و باید به طور همزمان اجرا شوند تا الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به طور متوازن طراحی شود. این مرحله دوران انتقال است و هنوز بسیاری از مفاهیم و روابط علت و معلولی متعارف در برنامه بکار گرفته می شوند؛ اما تلاش می شود تا ارزشهای اسلامی حتی در این دوران مورد توجه جدی باشند.

در مرحله دوم، با تجربیات و عینیت هایی که در مرحله اول بدست آمده، الگو به طور کامل بر اساس هستی شناسی اسلامی، شکل می گیرد.

در مرحله اول باید تلاش شود که اسناد موجود که تا حدودی متاثر از تمدن غرب هستند باز نویسی نشوند؛ ارزشهای اسلامی و ایرانی مبنا قرار گیرند. در موضوعاتی، که به نظر می رسد تمایز ارزشی بیشتری بین تمدن غرب و معارف اسلامی باشند، حساسیت بیشتری باید اعمال شود.

ایجاد بستر ارتباطی و طراحی سامانه مفاهیم و چارچوب ها زیرساخت های اصلی این پروژه هستند و در چارچوب مفهومی این پروژ باید کاملاً مبتنی بر نظریه علت باشد.